

پیام شادباش کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
به کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت:

چهل و پنجمین سالگرد بنیانگذاری حزب توده ایران

مامیت مردمی و انترناسیونالیستی حزب شما، دست به خیانت زد. اما حزب توده ایران علیرغم این یورشهای بربر منشا نه باز همچنان پا بر جا مانده و رژیم مرتجع و مستبد خمینی در رسیدن به آرزوهای واهی و هدف ارتجاعی نابودی حزب ناکام گردید.

رفقا!

اکنون در آستانه چهل و پنجمین سالگرد تاسیس حزب شما، مین ما یکی از سیاهترین مراحل تاریخ خود را می گذرانند. رژیم ارتجاعی خمینی با تداوم جنگ جنایتکارانه و خانانسون، با تشدید خفقان قرون وسطائی و با حمایت بیدریغ از غارت

بقیه در ص ۲

رفقای گرامی!
همراه با درود های رفیقانه، فرا رسیدن چهل و پنجمین سالگرد تاسیس حزب توده ایران را به شما و همه اعضا و هواداران حزب برادر تبریک می گوئیم. حزب توده ایران بنقابه حزب طبقه کارگر ایران و ادامه دهنده راه حزب کمونیست ایران، قدیمی ترین نیروی ترقی خواه کشورماست که طی نزدیک به نیم قرن فعالیت خود در راه تحقق آرزوهای بزرگ توده های میهنمان رزمیده و به همین دلیل هواره آماج ستیز و سرکوب امپریالیسم و ارتجاع قرار داشته است. رژیم ارتجاعی و سرکوبگر خمینی نیز در یورش های سالیهای اخیرش از همان موضع خصومت نسبت به



ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۱۲۷ دوره هشتم
سال سوم پنجشنبه ۱۳۵۸/۸/۱۵
بهاه ۲۰ ریال

احزاب برادره حزب توده ایران شادباش می گویند:

شادباش حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا
حزب توده ایران در سرنگونی
رژیم شاه نقش قاطع داشت

رفقای عزیز،

بناسبت چهل و پنجمین سالگرد پایه گذاری حزب توده ایران، کمیته مرکزی و اعضای حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا درودهای گرم و رفیقانه خود را به رهبری اصولیت شناس و با شهامت و اعضای حزب شما تقدیم می دارند. این مبارزه جانبا زانه و پیگیر رهبری حزب با ارتجاع امپریالیسم پرورده بود که به حزب شما سرشت مارکسیستی - لنینیستی بخشید و رهنمون طبقه کارگر و توده های مردم شد. شما در سرنگونی رژیم سرکوبگر و مستبد شاه، این متحد امپریالیسم ایالات متحده، سهمی قاطع و دلیرانه داشتید و سرسختی پیکار جویانه شما بود که سرانجام به پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ۱۹۷۸ انجامید. مقابله اصولی مارکسیستی - لنینیستی و شجاعانه رهبری و اعضای حزب توده ایران با یورش های جنایتکارانه و باصطلاح اعلام انحلال حزبتان (از سوی رژیم جمهوری اسلامی)، نه تنها احترام حزب ما، بلکه ستایش همه نیروهای مترقی ایالات متحده را برانگیخته است. امپریالیست های ایالات متحده و نوکران آنها در خاورمیانه در این زمینه نیز از هیچ گونه کمکی به ضد انقلاب کشور پلازده شما دریغ نوزیدند. جبهه های جنگ بی سرانجام و خونین ایران و عراق کورستانی است برای جوانان دو کشور. این

بقیه در ص ۲

پای لنگ دروغ در ص ۴

روزهمبستگی با جمهوری دموکراتیک افغانستان
علت تشدید تبلیغات جنون آمیز علیه افغانستان، هراس از گسترش پایه های اجتماعی انقلاب است
در ص ۸

کارزار پیکار با لایحه ارتجاعی قانون کار را گسترش دهیم

چنپ کارگری ایران مرحله 'دشواری در عین حال حساسی را می گذراند. از یکسو فشارها، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، روانی و پلیسی بر کارگران و زحمتکشان هر روز فزونی می گیرد و از سوی دیگر هر روز نقشه تازه ای برای به بند کشیدن هر چه بیشتر آنها به اجرا گذاشته می شود. در حالیکه کارگران و زحمتکشان در تهران و اراک و اصفهان و رود و اهواز و سنندج و غیره زیر بمبارانهای ناشی از ادامه 'جنگ هلاک می شوند، در حالیکه کارگران و زحمتکشان گروه گروه با حمله ها، رفتارنگ به جبهه ها فرستاده می شوند تا بعد از تکه های متلاشی شده، بدنشان را در کیسه به خانواده هایشان برگردانند، در حالیکه هر روزه درهای تعداد دیگری از واحدهای تولیدی و خدماتی به روی کارگران و کارمندان بسته می شود، رژیم تصویب قانون کار ارتجاعی اش را تدارک می بیند. اعضای شورای مرکزی خانه کارگر هم به خوبی از این توطئه باخبرند و در آن سهم هستند. بهار مقال حسین کمالی عضو شورای مرکزی خانه کارگر خود رئیس کمیسیون کار و امور اجتماعی و استخدای مجلس است و در تدوین لایحه جدید قانون کار نقش مهمی به عهده دارد. وی حتی به عنوان سخنگوی کمیسیون یاد شده سیاست رژیم

بقیه در ص ۶

باید بر سر درگمی و پراکندگی غلبه کرد

تشدید بحران و بیدایش تضادهای بغرنج اجتماعی و اقتصادی از ویژگیهای جامعه ما در هشتمین سال پس از پیروزی انقلاب بهمن ۵۷ است. اکثریت توده های میلیونی زحمتکشان که با تجربه شخصی به مامیت ضد خلقی رژیم خمینی بی پرده اند، از رژیم رویگردان شده اند. اما برخلاف توهمات که برخی از سازمانها و جریانها دچار آن شده اند این هنوز به معنی آن نیست که این نیروی عظیم در موضع معین و مشخص این با آن گروه از اپوزیسیون رژیم قرار گرفته است. سردرگمی، ناپاوری، تفرقه، پراکندگی و در مواردی انفعال در جامعه آشکارا به چشم می خورد. آنچه که مسلم است و در باره اش نباید و نمی توان تردید کرد، تشدید ناراضیاتی مردم است. اکثر توده های زحمتکش از ادامه 'جنگ خانمان سوز که هستی آنها را تهدید می کند بیزارند و می خواهند به آن پایان داده شود، اما نمی دانند چگونه و از چه راهی. سیاست ضد ملی رژیم شیرازه 'اقتصادی کشور را از هم گسیخته، کارخانه های یکی پس از دیگری از کار می افتند و کارگران از کارخانه ها رانده می شوند. در ۲۶ شهریور ماه، روزنامه 'جمهوری اسلامی' برای اولین بار به 'اخراج داوطلبانه' ۷ هزار کارگر از موسسات تحت پوشش وزارت صنایع سنگین اعتراف کرد. وزیر صنایع سنگین آشکارا ضرورت تعطیل کارخانه های مونتاژ را مطرح می کند. همه می دانند که بیش از ۹۵ درصد کارگاههای صنعتی کشور بطریقی وابسته به مواد خام، نیم ساخته و قطعات منگنه وارداتی هستند. تعطیل این کارگاهها - اعم از بزرگ و کوچک - یعنی بیکار کردن میلیونها انسان که سرمایه ای جز نیروی کار خود ندارند و برای تأمین گذران زندگی خود و خانواده شان مجبور به فروش آن هستند. بدینسان

بقیه در ص ۲

پیروزی مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

باید بر سردرگمی و پراکندگی ...

طبقه کارگر با یکی از مشکلات عظیم و بیسابقه، یعنی فاجعه بیکاری فراگیر روبروست و باید طرق مبارزه با این پدیده را دقیقاً تشخیص دهد.

گرائی پیدا می کند، سایه شوم فقر و کسبکی و فلاکت در شهر و روستا گسترده است. غارتگری تروریست های اقتصادی - مستی صاحبان ثروت - همچنان ادامه دارد و چنان وسعت گرفته که خونی های می گوید: "حقوق ضعفا پایمال شده است، به آسان که گرفته است. در دست یک عده زورمند است..." (اطلاعات، ۵ آبان ۶۴). وی تاکید می کند: "یک عده فاسد، فاسق فاجر گناهکار و کسانی که با زندقه شان دل ضعفا را به درد می آورند، باز همچنان در جامعه به تاخت و تاز مشغول اند" (همانجا).

وقتی دادستان کل ج. ا. این سخنان را بر زبان جاری می سازد، خود نشانگر عجز رژیم در اداره امور کشور است. بویژه اگر در نظر بگیریم که دادستان کل ج. ا. صریحاً می گوید: "اگر با ابزار قانون موجود بخواهیم اموال حرام شاه و وابستگان او را مورد بررسی قرار دهیم باید از همه آنها علرخواستی کرده و اموالشان را برگردانیم" (کیهان، ۲۷ خرداد ۶۵).

بدینسان کشور بر سردرگمی قرار دارد: بیادامه حاکمیت ارتجاع قرون وسطائی و با آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی و صلح. در اینجاست که نقش عامل ذهنی برجسته می شود. همکاری نزدیک کمونیست ها و همه نیروهای انقلابی و دمکراتیک در جبهه واحد و با برنامه مشترک می تواند نقش این عامل ذهنی را ایفا کند. برای سازمان دادن مبارزه توده ها جز بسیج هر چه بیشتر نیروهای سیاسی دارای نظرات مختلف ولی هدف واحد، راه دیگری وجود ندارد.

وحدت جنبش انقلابی ضرورت حیاتی دارد. ما توده ایها هنگام تحلیل شرایط مشخص کشور و تناسب نیروها در جامعه بر این اصل لنینی تکیه می کنیم که تاکتیک انقلابی باید بر پایه "محاسبه" متباینه و کاملاً عینی چگونگی تمام نیروهای طبقاتی کشور مربوطه... و ایضا بر پایه "ارزیابی تجربه جنبشهای انقلابی استوار باشد" ("بیماری کودکی" "چیکرائی" در کمونیسم" ترجمه جدید ص ۲۲-۲۴).

تجربه جنبشهای انقلابی نشانگر آن است که ارتجاع و عمال امپریالیسم همیشه از تفرقه میان نیروهای انقلابی و دمکراتیک به سود خود استفاده کرده اند.

ما اعتقاد راسخ داریم که در کشور ما گرایش به گسترش و تعمیق روند انقلابی از دیگر گرایشهای پیشی می گیرد. به بیان دیگر اگر نیروهای انقلابی و دمکراتیک بتوانند زبان مشترک پیدا کنند و در صف واحدی گام در عرصه بیکار بگذارند، می توانند بخش عظیمی از توده های زحمتکش را گرد شعارهای خود متشکل سازند. بیکاری مادر مبارزه در

راه اتحاد نیروها نیز از این باور نشأت می گیرد. کوشش مستمر در راه گسترش فعالیت دسته های حزبی و تحکیم صفوف حزب نیز با این موضع استراتژیک پیوند دارد.

پلنوم نوزدهم یا تصمیم تاریخی خود دایره به تشکیل کنفرانس ملی حزب توده ایران، گام مهمی در سنت تحکیم هر چه بیشتر وحدت اراده و عمل حزب برداشت. کنفرانس با تحلیل علمی از وضع کنونی جامعه و طایف مبرم اعضا حزب را تعیین کرد. بازتاب مثبت کنفرانس ملی و قرارها و مصوبات آن را می توان در تشدید فعالیت دسته های حزبی در شرایط دشوار رژیم ترور و اختناق به عیان مشاهده کرد. تکثیر اسناد و مدارک کنفرانس ملی در داخل کشور و افزایش چشمگیر شبنامه ها و تراکت ها، تکثیر "نامه مردم" و... نشانگر آغاز مرحله نوینی از مبارزه حزب بر افتخار است. رژیم ضد خلقی "ولایت فقیه" برای خنثی کردن فعالیت حزب، یورش جدیدی را آغاز کرده است. بار دیگر سیل تبوت و افترا به سوی حزب ما سرازیر می شود. "ساواجا" به تقلید از ساواک و با همکاری ساواکیهای در خدمت ج. ا. بار دیگر به نگارش "تاریخ" می پردازد. اما حقایق رژیم دیگر رنگی ندارد. زحمتکشان کشور ما بخوبی حق را از باطل تمیز می دهند.

مقابله مدیوحانه رژیم ضد خلقی ج. ا. با حزب ما، امری طبیعی است. از دشمنان خلق جز این هم نباید انتقاری داشت. اما مایه تأسف ما، موضع گیری برخی از سازمانهایی است که برای اثبات انقلابیگری خود راه دشنامگویی به حزب ما را برگزیده اند. البته دشنامگویی کار دشواری نیست و درست به همین سبب سادۀ اندیشان به دام آن می افتند. باید از آنها پرسید: آیا دشنامگویی می تواند برای حل مسائل دشوار جنبش که بدون تردید در گرو اتحاد نیروهای انقلابی و دمکراتیک است، راه حلی بشمار آید؟

تشکیل جبهه متحد خلق مسئله عمده و بحساس در شرایط کنونی است. نیاز به برخورد بحد کافی سنجیده، دقیق و آگاهانه و دوراندیشانه دارد. در اسناد و مدارک مضروب کنفرانس ملی مسائل مربوط به جبهه متحد خلق و دیگر مسائل مورد بررسی همه جانبه قرار گرفته و روش و طایف سیاسی جدید حزب به مثابه یک کل واحد در شرایط مشخص کنونی بطور دقیق تعیین شده است. جدائی لایه های وسیعی از توده های مردم از رژیم عامل تعیین کننده این وقایع جدید است. وظیفه سازماندهی این توده عظیم راجریان عینی رشد جنبش در برابر ما گذاشته است.

ما معتقدیم که نیروی متحد خلق ضامن پیروزی بر رژیم "ولایت فقیه" است. به همین سبب برنامه جدید حزب که از سوئی در شرایط مناسبات اجتماعی و اقتصادی فعلی قابل اجرا است و از سوی دیگر زمینه

راه اتحاد نیروها نیز از این باور نشأت می گیرد. کوشش مستمر در راه گسترش فعالیت دسته های حزبی و تحکیم صفوف حزب نیز با این موضع استراتژیک پیوند دارد.

ما معتقدیم که نیروی متحد خلق ضامن پیروزی بر رژیم "ولایت فقیه" است. به همین سبب برنامه جدید حزب که از سوئی در شرایط مناسبات اجتماعی و اقتصادی فعلی قابل اجرا است و از سوی دیگر زمینه

را برای برداشتن گام بعدی به سوی سوسیالیسم هموار می کند، حل مسائل فوری سیاسی و اقتصادی را ضرور دانسته است.

ما وظیفه کار در میان طبقه کارگر به قصد بسیج نیروی لایزال آن و وسطا فرهنگ سوسیالیستی در کارگران را از جمله وظایف اصلی بر شمرده ایم و در عین حال کار در میان دهقانان تهیدست و دیگر زحمتکشان دارای گرایشهای دمکراتیک را نیز در دستور مبارزه قرار داده ایم.

اینها وظایف بس سنگینی است. اما ما توده ایها یقین داریم که از عهده آنها بر خواهیم آمد. زیرا می دانیم که مسائل خطیر سیاسی و مبارزه طبقاتی را سرانجام نیرو حل می کند و ما باید در آماده و متشکل ساختن این نیرو و در بکار گرفتن مجدانه آن که نه فقط دفاعی، بلکه تعرضی هم باشد، مراقبت و رژیم (رجوع شود به لنین، "دو تاکتیک سوسیال دمکراسی در انقلاب دمکراتیک"، ترجمه جدید، ص ۲۰).

مبارزه کارگران و دهقانان، هم اکنون آغاز شده است. این مبارزه گر چه پراکنده و خود بخودی ضعیف است، اما وجود نیرویی را که قادر به مبارزه قطعی است و می تواند نهضت را به پیروزی برساند، بطور قطع و مسلم به ثبوت می رساند. برای تبدیل این مبارزه به بیکار توده ای فراگیر است که ما به مسئله تشکیل جبهه متحد خلق اهمیت می دهیم.

به نظر ما پایه اجتماعی و چارچوب جبهه واحد بطور عمده وابسته به توانائی آن در منعکس کردن منافع همه گروههای اجتماعی شرکت کننده در آن است. از آنجائیکه اتحاد طبقه کارگر و دهقانان تهیدست، هسته مرکزی جبهه را تشکیل می دهد، پدیده است که منافع آنها نیز باید در مرکز توجه باشد.

آنچه که در تشکیل جبهه حاضر اهمیت بوده و هست پاسخ به این سؤال است: با که و برای چه؟

برنامه جدید حزب به این سؤال پاسخ صریح می دهد. سند برنامه ای واحد و مرز معینی برای جبهه معین کرده است. همه نیروهایی که خواهان آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح هستند می توانند در جبهه متحد خلق گره آیند. ما برنامه این جبهه را نیز تدوین و منتشر ساخته ایم. بدون تردید، تکیه ما روی ضرورت تشکیل جبهه متحد خلق به هیچ وجه به معنای رد ضرورت وحدت عمل در باره این یا آن عنصر تشکیل دهنده شعار عمده (تشکیل جبهه) نیست.

مثلاً هم اکنون بیان داین به جنگ و دستیابی به صلح عادلانه خواست اکثریت زحمتکشان است. بنظر ما، وحدت عمل نیروهای انقلابی و دمکراتیک در بیکار علیه جنگ نه تنها ضرورت حیاتی دارد، بلکه میتواند برداشتن گامی در جهت ایجاد جبهه واحد بشمار آید.

کوتاه سخن، حزب ما باید در نظر گرفتن شرایط جانفرسائی که مردم میهن مادر آن بسر می برند، از همه نیروهای راستین انقلابی دعوت می کند که تا دیر نشده در جبهه واحدی گرد آیند.

کارگران مبارز! برای دستیابی به خواسته های صنی و سیاسی خود، متشکل شوید!

احزاب برادریه حزب

جنگ تنها بود دشمنان انقلاب ایران و در جهت پیشبرد منافع گسترش طلبانه امپریالیسم ایالات متحده در خلیج فارس بوده و هست.

دولت ریگان و انحصارهای پشتیبان آن، دشمن مشترک ما و همه خلق هایی هستند که در راه آزادی ملی و استقلال مبارزه می کنند.

در این لحظات دشوار تاریخی، صد ها میلیون تن انسان، از جمله مردم ایالات متحده، به نبردی پایدار در راه نگهداشت صلح جهانی مشغولند. پیشنهاد های پر شمار اتحاد شوروی در این کسره پایه ای است برای دور شدن از ورطه فاجعه هسته ای و پای نهادن در راه سلاح زدائی.

در جهان امروز کشور های سوسیالیستی، نیروهای آزادی بخش ملی و طبقه کارگر متشکل هستند که بسوی پیشرفت گام برمی دارند، و نه رژیم های استبداد طلب امپریالیستی.

وظیفه ماست که دوش به دوش یکدیگر در راه تنش زدائی و صلح جهانی برزیم و از این راه مبارزه در راه استقلال ملی و جهانی آکنده از بهروزی و دوستی را شکوفائی بخشیم.

بادرودهای رفیقانه

هنری وینستون، صدر ملی

گاس هال، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا



شادباش حزب کمونیست کازری سوند

مبارزه در شرایط دشوار

رفقای عزیز

۲ اکتبر ۱۹۸۶، چهل و پنجمین سالگرد بنیانگذاری حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران است. حزب توده ایران در تمام دوران حیات خود پیگیرانه علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی مبارزه کرده و هرگز درفش انترناسیونالیسم پرولتری را بر زمین نگذاشته است. حزب شاعضو وفادار جنبش بین المللی کارگری و کمونیستی است.

مبارزه سختی ناپذیر حزب توده ایران مهر و نشان خود را بر جنبش انقلابی خلق رژیم منقرض شده حزب شاه برای تحقق آماجهای ملی و دمکراتیک انقلاب ژوئیه ۱۹۷۹، پیگیرانه مبارزه کرد. لیکن، روحانیت به وعده هایی که به مردم ایران داده بود عمل نکرد و انقلاب را به ورطه شکست کشانید.

ارگانهای سرکوبگر جمهوری اسلامی بطور وحشیانه به حزب توده ایران یورش بردند. هزاران نفر از اعضای حزب به زندان افکنده شدند، دهها نفر زجر شکنجه به قتل رسیده اند، اعدام و یا "ناپدید" شده اند. لیکن، تلاشهای حاکمان مرتجع به منظور نابود ساختن حزب به شکست انجامید. حزب توده ایران با احیای سازمانهای خود همچنان علیه حکومت مافوق ارتجاعی "ولایت فقیه" تحت شرایط دشوار مبارزه می کند.

کنفرانس ملی حزب توده ایران که در ماه مه بقیه در ص ۷

پیام شادباش کمیته مرکزی

لجام گسیخته کارگران و همه توده های خلق کشور ما را به تبهائی و ویرانی و فلاکتی بزرگ کشانیده است.

این رژیم مانع اصلی تحقق آرزوها و آمال انقلابی و دمکراتیک توده ها و سد عمده تحول انقلابی جامعه ماست. در شرایط کنونی سرنگونی این رژیم شبکار و طبقه تأثیرناپذیر همه نیروهای انقلابی و دمکراتیک کشور است. تحقق این آماج لزوما اتحاد نیروهای انقلابی و دمکراتیک و مترقی کشور را که سازمان ما و حزب شما بر آن تاکید کرده اند طلب می کند. اتحاد عمل و همکاری های جاری سازمان و حزب و نیز دعوت ما از سایر نیروهای مترقی برای اتحاد عمل و همکاری، بیانگر احساس مسئولیت مشترک مادر قبائل نیاز مبرم جنبش انقلابی کشور است.

رفقا، تأمین وحدت پیروان سوسیالیسم علمی بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و برنامه و اساسنامه واحد و حزب واحد طبقه کارگر ایران وظیفه خطیری است که در برابر کمیست های ایران قرار دارد. مبارزه ما و شادار راه حفظ و تحکیم و گسترش وحدت فکری و سیاسی سازمان و حزب، حل رفیقانه اختلافات جهت دستیابی به برنامه و اساسنامه واحد با هدف نیل به وحدت همه جانبه، در خدمت تأمین منافع طبقه کارگر ایران قرار دارد.

برای وحدت همه پیروان سوسیالیسم علمی در حزب واحد نباید بین آنان همکاری بر سر آماجها و اهداف مشترک گسترش یابد. اشکال متنوع و مؤثر مبارزه ایدئولوژیک علیه هر گونه انحراف از

مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، علیه هر گونه انحراف راست و چپ در جنبش کمونیستی پیگیرانه به کار گرفته شود و با تحکیم پیوند با طبقه کارگر روح اعتماد و واقع بینی در جنبش تقویت گردد. بیگانه راه وحدت بفرنج و دشوار است. اما راهی است پیمودنی و نمی توان بر پیچیدگی های آن چشم فرو بست.

رفقای عزیز! برای ما مسرت بخش است که حزب توده ایران در چهل و پنجمین سال حیات خود علیرغم بورشهای سنگین سالهای اخیر رژیم با پاسداری از موجودیت خود و با شعار پیروز یاد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم مرتجع جمهوری اسلامی به مبارزه خود تداوم می بخشد. بی تردید نیاز مبرم جنبش انقلابی میهن ماست که صدای ما هر چه رساتر و نثریات و شعارهای ما هر چه گسترده تر به کارخانه ها و مزارع، به خیابانها و محلات ناچائی برود که توده گیر گردد. تحکیم و توسعه پیوند ما با طبقه کارگر و زحمتکش شهر و روستا رمز پیروزی فرداست.

با اطمینان به پیروزی نهائی جنبش کمونیستی ایران که حیدرخان و حزب کمونیست بنیادش نهادند یک بار دیگر فرا رسیدن چهل و پنجمین سالگی حزب توده ایران را به شما رفقای عزیز تبریک گفته و برای همه رفقای همسنگر خود در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی بناظر صلح، استقلال، دمکراسی و سوسیالیسم آرزوی موفقیت و پیروزی داریم.

بادرودهای رفیقانه

کمیته مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۵ مهر ۱۳۶۵

علت تشدید تبلیغات جنون آمیز علیه افغانستان

"نامه مردم": باتشکر از وقتی که برای این مساجحه در اختیار ما گذاشتید، خواهش می کنم اگر بیامی به مردم ایران دارید بفرمائید.

رفیق کاوون: یا تشکر از "نامه مردم" که این فرصت کاتنگر را برای ما فراهم کرد، پیام ما به مردم ایران از طریق "نامه مردم" این است که مردم ایران برادران ما هستند. ما با هم زبان مشترک و گذشته مشترک فرهنگی داریم. نسبت به حرولت خلق برادر ایران احساس همدردی می کنیم. در ضم و شادیشان شریک هستیم. همبستگی عمیق حکومت ما و حزب ما را نسبت به خلق ایران داریم. ما یقین داریم که مردم ایران در مبارزه دشواری که پیش می برند پیروزی شوند، به جنگ پایان می دهند و به حاکمیت قرون وسطائی ایران خاتمه می دهند و در وطن خود جامعه آزاد و دمکراتیکی را برقرار می کنند. برای مردم ایران در این مبارزه دشوار پیروزی آرزو می کنیم و امیدوار هستیم که موفق شوند جلوی توطئه های جمهوری اسلامی علیه افغانستان را هم سد کنند و نگذارند از طریق مداخله هایی که از خاک ایران صورت می گیرد، مردم افغانستان در خون خود بگلندند.



نابود باد جنگ، زنده باد صلح!

پای لنگ دروغ

صد اگت در بهاست نژده لادوت است،
قره کاري اما، نژده شعل
(و.ای. لنين، جلد ۱۷، آثار و نامه (۱۵))

بازار لجن بر اکنی علیه حزب توده ایران گرم است. هر کسی می‌کوشد تا به فراخور حال از این آشفته بازار طرفی بپندد و به عنوان "قهرمانی" از "قهرمانهای یکساعته" از این میدان پیروزمندی بدر آید. عجیب نیست. پس از آنکه سردمداران مرتجع و سفاک جمهوری اسلامی سبعانه‌ترین یورش را متوجه حزب توده ایران کردند، دیگرانی نیز ساگر چه از اردوگاه مخالفت که موجودیت حزب توده ایران را سدی در مقابل خود می‌انگاشتند، کوشیدند تا در این مهلکه در راستای مقاصد خود پسندانه خویش بهره برداری کنند. کمتر سازمان و گروه، حزب و یا فرقه‌ای است که در این مدت نخواسته باشد "شانس خود را بپازماید". آنان فکر می‌کردند که بالاخره موقعیتی فرا رسیده است که برای همیشه، نام و نشان حزب توده ایران از صحنه سیاست کشور حذف گردد. این آتش‌پیاران معرکه، کونه‌بینان بازار "سیاست"، به هر خص و خاشاکی و حتی به دروغ، تهمت و افترا دست می‌آویزند. آنان فراموش کرده‌اند که پای دروغ لنگ است و نمی‌توان راهی طولانی را با آن پیمود. دیر یا زود حقیقت آشکار می‌شود و سبده‌روئی برای کسانی می‌ماند که دروغ و افترا را پرچم پیکار خود ساخته‌اند.

پایخ گفتن به یک یک این افتراها از توان ما خارج نیست، اما وقایعی پس مهتر و مهتر پیش روی خود داریم. رژیم ددمنش جمهوری اسلامی همچنان در کشور ما حاکم است. چنگ ادامه دارد و هر روز قربانیان بیشتری می‌گیرد. از ساطور دژخیمان رژیم کماکان خون پاک فرزندان این سرزمین می‌چکد. ما مبارزه در راه سرنگونی این رژیم باید را هدف درجه اول حزب خود قرار داده‌ایم و می‌کوشیم که تمام توان و امکانات خود را در این راه بسیج کنیم.

به همه افترا مانده فرصت هست و نه باید پایخ گفت. اما برخی از این اتهامها، نکات گزهی سیاست حزب توده ایران و جهانی وجودی آن را نشانه گرفته‌اند. به این افتراها و اتهامها می‌توان و باید پایخ گفت.

به نظر ماعت و واقعی این لجن بر اکنی‌ها، و تکرار مداوم لاطائلات کهنه شده علیه حزب توده ایران همیشه از روی نادانی نیست.

خصم طبقاتی برای حفظ منافع خود حاضر است به هر کاری دست بزند. بر اکندن دروغ از شیوه‌های معمولی است. و.ای. لنين، می‌گفت: "مادر دوران داد و ستد زندگی می‌کنیم، دورانی که پورژوازی از معامله بر سر شرف و وجدان نیز اپاشی ندارد". (و.ای. لنين، آثار، جلد ۱۹، صفحه ۲۴).

اما دیگرانی نیز که نمی‌توان آنان را از سطح دشمنان طبقاتی شمرده، از سر سوداگری سیاسی و اغراض فرقه‌ای به این شیوه ناپسند متشبث می‌شوند. آنها نهاییکی است. حذف حزب توده ایران به هر وسیله، برای آنکه به زعم

خود به عنوان سازمان و گروه و با حزب طبقه کارگر در میان طبقه و در جامعه مطرح کردند. از قدیم گفته‌اند آرزو پر جوانان عیب نیست. حزب توده ایران نیز از سوی خود پارها اعلام کرده است که مانعی در راه تحقق این آرزو ایجاد نمی‌کند و نخواهد کرد. پر شمارتر کردن صرف میارزان راه طبقه کارگر و کوتاه‌تر کردن راهی که به پیروزی آرمانهای والای موسیالیستی ما بیانجامد، هدف و آرزوی ماست. اما ای می‌توان این راه را با دروغ و فریب آغاز کرد؟

یکی از سخیف‌ترین اتهامهایی که به حزب ما وارد می‌شود آن است که گویا حزب توده ایران سیاست خود را بر طبق اولویت‌های سیاست خارجی اتحاد شوروی تدوین می‌کند. پدیدگر سخن گویا این منافع ملی کشور ما نیست که مورد توجه حزب توده ایران است بلکه منافع اتحاد شوروی قلب‌نمای سیاست این حزب است. و دیگر آنکه گویا حزب توده ایران سیاست خود را بر اساس تضادهای داخلی تدوین نمی‌کند، بلکه آن را ناشی از تضادهای جهانی، و روابط میان اتحاد شوروی و آمریکای پیندا!

البته، تا کنون استدلال و یا شواهدی را دال بر صحت این ادعاها، از سوی بازگو کنندگان آنان ندیده‌ایم. طبیعاً پدیکار در اینجا، نه ما بلکه مدعیانند که باید ادعای خود را ثابت کنند.

به این مسائل می‌توان از چند جنبه پرداخت. اول آنکه آیا این ادعا صحت دارد که حزب توده ایران سیاست خود را بر طبق اولویت‌های سیاست خارجی اتحاد شوروی تدوین می‌کند و دوم، اولویت‌های سیاست خارجی اتحاد شوروی چیست و آیا سیاست خارجی اتحاد شوروی مغایر منافع مردم ایران است؟

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران است. حزب توده ایران، حزب انترناسیونالیست طبقه کارگر و در عین حال حزب پیکیرترین میهن‌پرستان کشور ماست. دفاع از منافع ملی کشور ما در مقابل بیغمی امپریالیستی، مبارزه علیه وطن‌فروشان رنگارنگ از اردوی پورژوازی و فئودالی و غیره، کوشش در راه رشد و شکوفائی همه جانبه کشور ما، از همان اوایل تأسیس حزب ما از ام و طایف آن بوده و هست. انکار نقشی که حزب توده ایران در تمام این عرصه‌ها ایفا کرده است یعنی انکار آشکار واقعیات و حقایق تاریخی.

حزب توده ایران در تمام مقاطع پرتلاطم تاریخ حیات خود، هر زمان که منافع ملی، حق حاکمیت و تمامیت ارضی کشور، به خطر افتاده است، اولین نیروئی بوده است که در مقابل آن ایستاده و علیه آن مبارزه کرده است. این نیز حقیقتی است آشکار. این واقعیتی است که منافع ملی کشور ما و حق حاکمیت آن همواره از سوی امپریالیسم و نیروهای هرادار آن مورد هجوم و تهدید قرار گرفته است و نه اتحاد شوروی.

سیاست اتحاد شوروی در قبال ایران همواره بر محور کوشش در جهت ایجاد محیط‌تفاهم متقابل، ایجاد روابط حسن همجواری بر اساس همزیستی مسالمت‌آمیز و برقراری روابط عادی سیاسی و اقتصادی متساوی‌الحقوق سیر می‌کرده و می‌کند. به نظر حزب توده ایران این سیاست نه تنها هیچ مغایرتی با منافع ملی میهن ما ندارد بلکه تأمین کننده آنست. ما همواره کوشش کرده‌ایم که چنین

روابطی میان خلقهای ایران و اتحاد شوروی برقرار گردد.

ما سیاست اتحاد شوروی در جهت پایمان دادن به بحران خاورمیانه و احقاق حق قانونی و عادلانه خلق عرب فلسطین، دفاع از کشورهای عربی که مورد تجاوز اسرائیل قرار می‌گیرند، کوتاه کردن دست امپریالیسم از منطقه، از جمله از خلیج فارس که نیروهای خود را در آن مستقر ساخته و سر فرماندهی مرکزی نیروهای "اقدام سریع" را به منظور مداخله در منطقه ایجاد کرده است، برچیدن پایگاههای آمریکائی در دبگوگاریا و تبدیل اقیانوس هند به منطقه صلح و عاری از پایگاههای نظامی، کمک به انقلاب افغانستان در برابر مداخله امپریالیسم و غیره را سیاستی می‌دانیم که نه تنها هیچ مغایرتی با منافع ملی ما ندارد بلکه درست آن سیاستی است که باید همه نیروهای ترقیخواه ایران برای تحقق آن مبارزه کنند. به عقیده ما جایگزین دیگری جز سیاست تجاوزکارانه و ماجراجویانه امپریالیسم برای سیاست صلح‌جویانه اتحاد شوروی وجود ندارد. اگر این "دوستان" ما را به اطاعت کورکورانه از سیاست خارجی اتحاد شوروی متهم می‌کنند ما باید در پاسخ بگوئیم که آری ما "فاطعانه" مدافع صلح بین‌المللی و تنش‌زدائی و همزیستی مسالمت‌آمیز هستیم و آن را پنهان نیز نمی‌کنیم. ما میان این سیاست و سیاست امپریالیسم آمریکا، سیاست مبتنی بر صلح را انتخاب کرده‌ایم زیرا می‌دانیم که حد وسطی وجود ندارد. این دو سیاست، تبلور همان تضاد جهانی است.

این که گفته می‌شود گویا به نظر ما تنها با حمایت از برقراری مناسبات حسن همجواری با اتحاد شوروی و دفاع از سیاست صلح در منطقه و جهان، مسئله انقلاب ایران حل می‌شود، ادعائی است که نادانی طرح کنندگان آن را می‌رساند. زدن چنین پرچسپ‌هایی به حزب توده ایران آسان است اما اثبات آن مسئله‌ای است که تا کنون کسی از پس حل آن بر نیامده است.

اما نظر ما. حزب توده ایران بر آن است که انجام انقلاب در هر کشوری از جمله در کشور ما به مهیا بودن شرایط عینی و عوامل ذهنی، در کشور و مساعد بودن اوضاع بین‌المللی وابسته است. حزب توده ایران به نوبه خود همواره کوشش کرده است با تحلیل شرایط جامعه و در پیش گرفتن سیاستی مطابق با شرایط حاکم در پیش‌رساندن امر انقلاب در ایران کمک رساند. یعنی حزب را بطور مستمر تقویت کند، بیبوند آن را یا نوده‌های مردم پویژه زحمتکشان و طبقه کارگر مستحکم سازد، توده‌ها و پویژه زحمتکشان و طبقه کارگر را متشکل سازد. در بستر مبارزه به تأمین اتحاد نیروهای خلق خدمت کند و توده‌ها را علیه دشمن طبقاتی بسیج نماید و به سخن دیگر برای انقلاب آماده سازد. اما می‌دانیم که وقوع انقلاب خارج از خواست و اراده این و آنست و نا انقلاب رخ نداده است، نمی‌توان مبارزه سیاسی را تعطیل کرد و به امری کم ارزش‌تر از امر انقلاب پرداخت.

مبارزه طبقاتی تنها در صورت کلی خود یعنی انقلاب و دگرگونیهای انقلابی متبلور نمی‌شود. حول کوچکترین تصمیمات و اقدامات نیز مبارزه‌ای سخت در جریان است. اصولاً سیاست یعنی تنظیم مناسبات میان طبقات. پس هر نیروئی سیاست



را انظوری اعمال می کند که در خدمت منافع خود و گروهی باشد که بدان تعلق دارد و آن را نمایندگی می کند.

چنانکه گفتیم در کشور ما چگونگی تنظیم مناسبات با کشورهای سوسیالیستی و پیوسته اتحاد شوروی موضوع مبارزه بوده و هست. حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، که با تمام نیرو برای انجام انقلاب ملی و دمکراتیک در کشور ما مبارزه کرده و می کند، همواره از ایجاد این مناسبات پشتیبانی کرده است. ما عقیده داریم که این مناسبات نه مغایر با منافع ملی میهن ما و نه مغایر با مصالح انقلاب ایران است.

نیاز به هوش سرشاری برای درک این مسئله نیست که این خواست قلبی اتحاد شوروی است که در کشور ما رژیم پر سر کار باشد که سیاستی دوستانه با اتحاد شوروی در پیش بگیرد. اتحاد شوروی چه مخالفتی در کوتاه و یا دراز مدت می تواند یا این مسئله داشته باشد که نیروهای انقلابی و دمکراتیک در کشور ما قدرت را بدست گیرند و مرزهای میان دو کشور به مرزهای دوستی و همکاریهای صمیمانه در همه زمینه ها تبدیل شود.

ماشویستهای چینی که در بی دست و پا کردن وجهه ای انقلابی برای خود بودند، فکر ایجاد جایگزین "انقلابی" در مقابل جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و در رأس آن حزب کمونیستهای اتحاد شوروی را در سر می پروراندند، و آنها را متمم به خبانت به انقلاب جهانی می کردند. زیرا، کشورهای سوسیالیستی در مقابل سیاست تنش زدائی و چنگ سود امپریالیستی از سیاست همزیستی مسالمت آمیز میان کشورهای یا نظامهای اجتماعی گوناگون پیروی می کردند. حزب توده ایران، همراه اکثریت قریب به اتفاق احزاب کمونیست و کارگری جهان متذکر می شد که، انجام انقلاب در کشورهای متفاوت، و طبقه نیروهای انقلابی در این کشورهاست و کشورهای سوسیالیستی نمی توانند به نیابت از جانش آنان به این امر جامعه عمل بپوشانند. در آن زمان این موضع اصولی و لنینی مورد اهانت و پرچسپهای فراوان هواداران "اندیشه" ماشو تسه دون، از جمله هواداران وطنی آنها قرار میگرفت و اکنون پس از گذشت سالها از آن زمان درستی این خط مشی در پراتیک روزمره زندگی به اثبات رسیده است و حتی طرح کنندگان این نظریات در جمهوری خلق چین به این نتیجه منطقی و درست رسیده اند که جایگزین دیگری برای سیاست صلح خوبانه و اصول همزیستی مسالمت آمیز در مناسبات میان کشورها نمی تواند وجود داشته باشد.

حزب توده ایران همواره متذکر شده است که عمده عواملی که در تحقق انقلاب در یک کشور نقش تعیین کننده ایفا می کنند، آن عواملی هستند که زائیده شرایط عینی و ذهنی جامعه اند. اما تا کید نیز داشته ایم که عوامل خارجی، شرایط بین المللی و عواملی از این دست در بستر تکامل اوضاع تأثیر می گذارند و نادیده گرفتن آنها برای نیروهای انقلابی زیانمند است.

ما پارها رابطه دیالکتیکی میان ملی و بین المللی را در روند انقلابی تشریح کرده ایم. مایبانه آنچه که تجربه تاریخی نشان داده است معتقدیم که هیچکدام از احزاب کمونیستی طبقه

کارگر مجاز نیستند انجام وظایف ملی خود را از وظایف دیگر گردانهای جنبش کمونیستی جدا کنند و با اینکه در مقابل آن قرار دهند. تجربه ما آموخته است که چنین موضعی از شعاع تأثیر فعالیت ما خواهد کاست و در برخی موارد چنان که دیده ایم خطوط ضد انترناسیونالیستی، در اساس خصمت ناسیونالیستی به خود خواهد گرفت. در پیش گرفتن چنین سیاستی مساوی ضربه زدن به حزب و در نهایت زبان رساندن به کل روند عمومی مبارزه کمونیستها در جهان است.

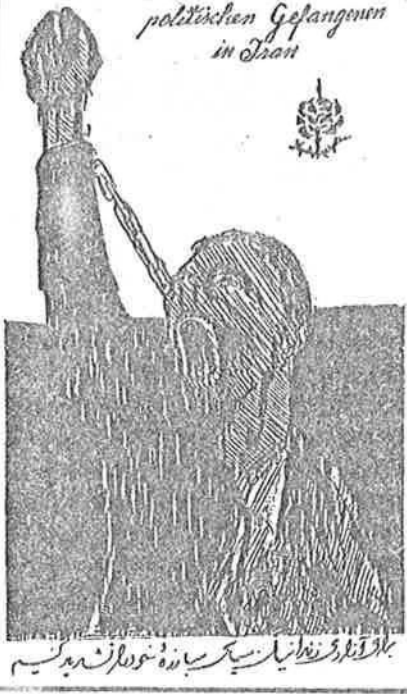
ما پارها تکرار کرده ایم که فعالیت بگیر و مستمر هر کدام از احزاب کمونیست و کارگری از جمله حزب ما، برای انجام دگرگونیهای انقلابی در کشور خود در عین حال مهمترین وجه وظیفه انترناسیونالیستی است. اما تنها وجه آن نیست. پیوند دیالکتیکی منافع و وظایف ملی و بین المللی احزاب کمونیست به معنای یکسان بودن آنها نیست. در تاریخ جنبش کمونیستی کوششهای صورت گرفته تا وظایف ملی و بین المللی هر کدام از گردانهای آن بطور مکانیکی یکسان چلوه داده شود. این عوامل بدانجا ختم می شده است که این احزاب خود را از کل جنبش جدا ساخته و حتی منافع ملی زاد و مقابل بین المللی قرار داده اند.

موضوع ما چیز دیگری جز آموزشهای مارکسیسم - لنینیسم در این پاره نیست و هرگز تغییری نکرده است. اما جای تعجب نیست که حزب ما پاز مورد اهانت قرار گیرد. اینبار از چانهی دیگر. اگر دیروز گفته می شد که احزاب کمونیستی و کارگری، از جمله حزب توده ایران اهمیتی به حل انقلابی تضادهای جهانی نمی دهند. اکنون می گویند که گویا حل تضادهای جهانی برای احزاب کمونیستی و کارگری، و از جمله حزب توده ایران عمده شده است.

می توان این سیاهه را هنوز دنبال کرد و نشان داد که پارها از مواضع یکلی متضاد سیاست حزب توده ایران مورد نقد قرار گرفته است. حزب توده ایران در تاریخ چهل و پنج ساله خود، با چریانها، گروهها و سازمانهای فراوانی روپروپوده است، که هر کدام با ادعاهای پرطمطراق در صحنه سیاست ایران همچون اخگری درخشیده و ناپدید شده اند. هر کدام از این چریانها کوشش کرده اند از راه بی اعتبار ساختن حزب توده ایران، اعتباری برای خود دست و پا کنند و عیب نیست که عمده فعالیت خود را متوجه این هدف ساخته باشند. انتشارات آنان بر است از همجوبیات بی پایه و تحلیلهای "فیلسوف" مایبانه بیارمون حزب توده ایران و مبنای فکری، سیاست و عملکرد آن. کارآئی چنین روشهایی را باید از سرنشستی که عاید این چریانهاست آموخت. طول عمر همگی آنان به کوتاهی عمر همان اختر بود. این چریانها تا اکنون صدها رنگ عوض کرده اند و با نقیصه های جدید ظاهر و پاز ناپدید می شوند. اما نیروئی که باقی است همان حزب توده ایران است، که گویا خطاهای بخشش ناپذیری را مرتکب شده است.

حزب توده ایران ادعا ندارد که در تاریخ فعالیت خود مرتکب اشتباهاتی نشده است. حزب ما در ۴۵ سال فعالیت خود همواره در راه پیروزی زحمتکشان کوشید و در این راه پیروزیهای پیشمار کسب کرده و ناکامی هائی نیز داشته است. استقامت

Solidarität mit den politischen Gefangenen in Iran



۴۵ ساله حزب توده ایران در صحنه مبارزه نابرابر باید بسیاری را بفکر چویا شدن علل آن بباندازد. اما هستند متأسفانه هنوز عده ای که می خواهند علیرغم حزب توده ایران و در مقابل آن، گویانیروهای طیف چپ و هواداران سوسیالیسم علمی را سازمان دهند. موضع مادر مقابل این کوششها روشن است. ما چنین برخوردی را مغرضانه و زیانمند می دانیم و یقین داریم که دود آن به چشم میتکرائش خواهد رفت و در مقابل ما پارها متذکر شده ایم و در قلعنامه "کنفرانس ملی" حزب درپاره وحدت هواداران سوسیالیسم علمی هم پاز پر ضرورت گرد آمدن تمام نیروهائی که خود را پیرو این آموزش می دانند تاکید کرده ایم و راههای عملی آن را نیز نشان داده ایم. بنظر ما گامی که می تواند به این امریاری رساند، پرقرار ساختن گفتگوی سالم و دوستانه میان این نیروهاست. در چنین گفتگوهائی که باید در محیطی دوستانه و با حسن تفاهم صورت گیرد، می توان بسیاری از مسائل مورد اختلاف را مورد بررسی قرار داد و به توافقهائی اصولی رسید. ضرورت لحظه درنگ ناپذیر بودن چنین مناسباتی را می طلبد. ما عقیده داریم تمام نیروهائی که خارج از اغراض گروهی و حسابهای فرقه ای به ضرورت نزدیکی این نیروها بی پرده اند خواهند کوشید عکس العمل لازم را از خود نشان دهند و به ایجاد این محیط دوستانه باری برسانند. ما را با مغرضان کاری نیست.

هرگز بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلق های ایران و جهان!

کارزار پیکار بالایحه ارتجاعی

درباره مسائل کارگری، و قانون کار را در گفتگو با مطبوعات مجاز کشور اعلام می‌دارد.

چنین کسانی که می‌کوشند خود را به عنوان نماینده واقعی کارگران جا بزنند، نه تنها قادر نیستند با شهامت و آگاهی لازمه نماینده کارگران در مقابل توطئه‌های رژیم باشند، بلکه به آلت دست رژیم تبدیل شده‌اند و به عنوان نسل جدید "اشرافیت کارگری" خود را نه در خدمت پیشبرد خواسته‌های واقعی کارگران و زحمتکشان، بلکه در خدمت بزرگ کردن توطئه‌های رژیم قرار داده‌اند. آنها از نظرات کارگران در مورد لایحه ارتجاعی "قانون کار" باخبرند و نمی‌توانند باخبر نباشند. در چاسات متعددی که پس از ارائه این لایحه به مجلس در بسیاری از کارخانه‌ها و مناطق صنعتی به منظور بحث و بررسی روح حاکم بر آن و مواد مختلف آن برگزار شد، کارگران به نتایج ارزشمندی رسیدند. چه هست این نتایج از جمله توسط چند تن از نمایندگان خانه کارگر شهر ری در ملاقات با وزیر کار به شرح زیر اعلام شد:

"بطور کلی این پیش‌نویس جوابگوی نیازمندیهای کارگران در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و رفاهی نمی‌باشد." (اطلاعات، ۱۱ شهریور ۶۴).

این بیان روشن و صریح کارگران و زحمتکشان کشور است که باید بار دیگر وسیعاً در تمام کارخانه‌ها و واحدهای کارشناسی انداخته شود.

مثلاً کنترل کارگران بر اخراج کارکنان واحدها، کاری که حق مسلم آنها است. این حق که توسط سازمانهای مستقل صنفی آنها اعمال می‌شود در کشورهای سوسیالیستی تمام و کمال اعاده می‌شود و در بسیاری از کشورهای سرمایه‌داری نیز در اثر مبارزات کارگران به رسمیت شناخته شده و هسته به توازن نیروهای کارگران سرمایه‌داران، تا حدی اجرا می‌شود. اما آنچه که در لایحه جدید قانون کار منعکس شده تنها انعکاس ضعیف و شکسته خواست واقعی کارگران ماست. زیرا شوراهای اسلامی کار که طبق قانون ارتجاعی مصوب مجلس تشکیل شده و می‌شوند، آن سازمانهای مستقل صنفی زحمتکشان نیستند که از عهده اجراء این عمل مهم یعنی مقابله با اعمال خودسرانه کارفرمایان در اخراج روزمره ریی‌بندی و بار کارگران برآیند. در عین حال مجلس شورای اسلامی نیز آن مجلسی نیست که بتواند همین حق کم و نت را نیز به رسمیت بشناسد. در بحثهای جدیدی که در سال ۶۲ در مجلس و شورای نگهبان بین امون قانون شوراها در گرفت، به خوبی آشکار شد که نمایندگان منتسب به جناح راست افراطی خواهان آزادی نامحدود کارفرمایان از جمله در امر اخراج هستند و با هر ماده‌ای که کمترین رنگی از کنترل کارگران بر قدر قدرتی کارفرمایان داشته باشند به شدت مقابله می‌کنند. این امر چنان روشن است که حتی کمالاتی نیز نمی‌تواند آن را کتمان کند. او می‌گوید:

"این نظر مجلس است که در نهایت تعیین می‌کند که قانون کار ما روجه دفع از مستضعفین دارد یا خیر." کمالاتی در حقیقت بطور صحنی تأیید می‌کند که مجلس می‌تواند قانون کار ضد کارگری هم تصویب کند. واقعیت این است که باتوجه به پایتاه محکمی که نمایندگان کلان سرمایه‌داران و

صاحبان مراکز تولید در مجلس دارند، چه تصویب قوانین ضد مردمی و ضد کارگری از آن انتظاری نمی‌رود. جناح راست افراطی مجلس در مجموع خواهد کوشید موادی را که جهت تعدیل روح فوق ارتجاعی پیش نویس ارائه شده از جانب توکالی در لایحه جدید گنجانده شده است، حذف و یا کم رنگ‌تر کند. افشای ماهیت ضد کارگری، سختگوییان این جناح و نقش و جایگاهشان در کل نظام حاکم برای ارتقا سطح آگاهی کارگران و زحمتکشان و بسیج آنان اهمیت مهم دارد.

رژیم کارگر ستیز جمهوری اسلامی و خادمانش، از عربان شدن چهره واقعی و کتیفشان در مقابل کارگران و زحمتکشان هرسانند. باید از این موقعیت برای افشای ماهیت سرمداران مرتجع رژیم و نظراتشان و تفاوت میان شعارهای توخالی و اعمال ارتجاعی آنها استفاده کرد. طبقه کارگر باید در هر مورد نظرات مستقل خود را بیان کند و در عین حال از درگیری جناح‌ها به نفع پیشبرد هدفهای خود سود جوید.

باید کارزار وسیعی را در این عرصه ترتیب داد. باید از همه امکانات و ظرفیتهای استفاده کرد. باید تمام واحدهای کار و محله‌های کارگر نشین راه مراکز بحث و نظر خواهی و جمع‌بندی در این زمینه تبدیل کرد. باید با کمک توده‌های کارگر از پائین و عناصر صادقی که در شوراهای و کانونهای هم‌مانندی حضور دارند، تمام امکانات را بدین منظور بسیج کرد. باید کارگران و زحمتکشان را با اهمیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قانون کار آشنا ساخت. باید دستاوردهای جنبش کارگری را در مبارزه با پیش‌نویسها، لایحه ارتجاعی ارائه شده از جانب توکالی و سرحد، زاده برای کارگران توضیح داد. می‌توان و باید همبستگی وسیع تمام مزد و حقوق بگیران و فراتر از آن، تمام زحمتکشان را در این کارزار جاب کرد. قانون کار تنها برای طبقه کارگر اهمیت ندارد، بلکه سرشویت تمام زحمتکشان را رقم می‌زند.

ما به مناسبتهای مختلف و همچنین پس از ارجاع لایحه قانون کار به مجلس، در اردیبهشت ماه سال گذشته، بارها درباره ماهیت ارتجاعی این لایحه و تالیف توده‌ایها و نیز فعالان صنفی در این عرصه، از جمله در شماره‌های ۵۲، ۵۴، ۶۰ و ۶۶ "نامه مردم" به تفصیل صحبت کرده‌ایم. در اینجا فقط به یادآوری و روش مهم‌ترین خواسته‌های کارگران در عرصه حقوق عمومی و اختصاصی کار اکتفا می‌کنیم.

کارگران و زحمتکشان برای گنجانیدن این خواست‌ها در قانون کار می‌روند.

- حق تشکیل آزادانه سازمانهای صنفی کارگری باید صریحاً به رسمیت شناخته شود.

- حق اشتغال و امنیت شغلی باید به عنوان یک حق اساسی کارگران و زحمتکشان به رسمیت شناخته شود. اخراج و انواع مختلف آن (تعلیق، بازخرید و غیره) ممنوع و در موارد استثنائی از سازمانهای صنفی کارگران نظرخواهی شود. برای کارگران بیکار، بیمه بیکاری در نظر گرفته شود.

- حداقل دستمزد باید متناسب با افزایش تدریجی هر ساله افزایش یابد.

- قانون کار و قانون تامین اجتماعی بصورت یک قانون واحد و یکپارچه تدوین شود.

- فعالیت سیاسی آزاد کارگران در سطح کشور و

از جمله در واحدهای کار، باید تضمین شود. - اعتصاب باید به رسمیت شناخته شود.

- دخالت انجمنها و گروه‌های حزبی، مذهبی، مسلح و نیروهای نظامی و انتظامی رژیم در امور صنفی کارگران باید صریحاً ممنوع شود. نیروهای انتظامی و نظامی باید از ورود به واحدهای کار منع شوند.

- حق مشارکت کارگران در مدیریت واحد کار تضمین شود.

- حق انعقاد آزادانه پیمان دسته‌جمعی کار توسط سازمانهای صنفی زحمتکشان به رسمیت شناخته شود.

- استناداردهای شناخته شده جهانی کار و منشور مصوب دومین کنفرانس فدراسیون جهانی سندیکاها، رعایت شود.

- تمام کارفرمایان بدون استثنا، موظف به رعایت قانون کار باشند.

- زنان کارگر باید از حقوق برابر با مردان برخوردار باشند و از مزایای ویژه زن بودن و مادر بودن بهره‌مند گردند.

- جلوگیری از کار کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال جدا تضمین شود. کار برای نوجوانان ۱۶ سال تا ۱۸ سال بایستی چنین کارآموزی - با دستمزد و مزایای پیش از حد مند اول داشته باشد.

- روز جهانی کارگر - ۱ اردیبهشت (اول ماه مه) - به عنوان تعطیل رسمی و عمومی اعلام گردد.

مبارزه طبقه کارگر با تحمیل قانون کار ارتجاعی از جانب رژیم در سالهای اخیر، همواره یکی از عرصه‌های با شکوه پیکار زحمتکشان بوده است. این مبارزه اکنون به مرحله حساسی رسیده و به همین دلیل لازم است تا شدت و ابعاد پیکار دو چندان گردد. تاکتیک رژیم در این دوره، کاستی از حساسیت کارگران نسبت به قانون کار است. مادر مقابل باید باتوسل به همه توطئه‌ها از جمله انتشار گسترده خبرها، حساسیت لازم را در کارگران برانگیزیم. کارگران باید در این عرصه نقش فعال ایفا کنند. تویپخانه طبقه کارگر باید دژ متزلزل ارتجاع را به لرزه درآورد. مسلماً اعتصاب، بر فشرترین سلاح مبارزاتی است که باید مورد استفاده هوشمندانه طبقه کارگر قرار گیرد.

طبقه کارگر ایران و در پیشاپیش آن بیرولتاریای صنعتی هم اکنون نیز به عنوان یک نیروی بالکسبه متمركز که سنگینری آن دارای اهمیت سیاسی تعیین کننده است، در صحنه نمود. انقلابی حضور فعال دارد و پیشاپیش همه نیروهای اجتماعی‌گام بر می‌دارد.

مبارزه‌ای که هم اکنون جریان دارد تا سرنگونی رژیم دیکتاتوری جمهوری اسلامی ادامه خواهد یافت. طبقه کارگر ایران در نبرد علیه رژیم حاکم هنوز سخن آخر را نگفته است.

طبقه کارگر متعدد همه چیز
طبقه کارگر متشوق هیچ چیز!



از کارخانه‌ها، زندگی و رزم کارگران

از نامه یک کارگر ایران ناسیونال

"... ده روزی است که بیکار شده‌ام. من و ۵۴۰ نفر دیگر از همکارانم را به آب ریخته و می‌ریزند، تا کشتی غرق نشود. و اما جریان کشتی: قبل از اخراج جلسه‌ای تشکیل شده بود و مدیر عامل می‌گفت: ما قبل از انقلاب ۲۴۰۰ نفر کارگر زیادی داشتیم که آنها را اخراج نکردیم و برای کمک به شما کارگران، بعد از انقلاب هم ۲۰۰ نفر هم استخدام کردیم. الان کارخانه ما مثل یک کشتی است که به علت بار اضافی در حال غرق شدن است و برای این که غرق نشود باید عذر این ۵۴۰ نفر را بخواهیم. یکی از بچه‌ها بلند شد و گفت: به نظر ما اشکال از ناخدای کشتی است که نتوانسته کشتی را هدایت کند. در اثر این حرف همه‌ای بی‌اشد...

اما جریان از آنجا شروع شد که ابتدا فرمی بین کارگران پخش شد تا داوطلبان باز خرید، آن را پر کنند. اما کارفرمایان وقتی که دیدند دستشان به جایی بند نشده، خودشان دست بکار شدند. در جمله من که چند سال سابقه کار داشتم با ۱۲۰ هزار تومان پول به دریا ریخته شدم. باید بدانی که فقط در ظرف ده روز، سی هزار تومان آن بابت بدمی‌ها و مخارج دیگر رفته است. وضع بقیه هم بهتر از من نیست، مثلاً پسر عمه‌ام که در المینیوم سازی اراک کار می‌کند یک ماه است که سرکار نمی‌رود. کارخانه تقریباً تعطیل شده و به آنها گفته‌اند که آخر ماه بیایند. و درصدی از حقوقشان (احتمالاً دو سوم آن) را بگیرند. این مقدمه اخراج است. معمولاً یکی دو ماهی اینطوری سزا کارگرها را می‌بجایانند و بعد اخراجشان می‌کنند. و یا مثلاً... از همسایه‌های ما (تو او را می‌شناسی - اگر یادت باشد من همیشه به ایران ناسیونال می‌نویسم و او به "زامیاد") هم اخیراً اخراج شده است. از همان اوایل عبد صحبت از اخراج هزار نفر از کارخانه ما و ۲۴۰۰ نفر از کارخانه آنها بود. اوایل تیرماه فرمهایی را هم بین تمام کارکنان "زامیاد" پخش کردند. جالب این است که یک جدول نوشتند و برای کسانی که مثلاً تا ۱۲ تیرماه تقاضای باز خرید کنند مزایایی در نظر گرفتند و هر چه تاریخ تقاضای باز خرید دیرتر باشد، مزایا کمتر و ناچیزتر می‌شود. ضمن در همان فرم نوشته شده، کسانی که بخواهند در "زامیاد" بمانند، باید آمادگی خودشان را برای انتقال به هر یک از نهادهای "انقلابی" و دولتی، طبق نظر مسئولین - اعلام کنند. ... که می‌رسید او را به سیاه منتقل کنند و نهایتاً به جبهه بفرستند، به امید این که

با پولی که می‌گیرد بتواند پیکان بخرد و مسافرنکشی کند، تقاضای باز خرید داد و همین دیروز در ازای ۵ سال سابقه کار ۹۰ هزار تومان گرفت و بیرون آمد. تا به امروز ۱۲۰ نفر همین کار را کردند... باید ببخشی که سرت را درد آورد، آخر می‌دانی، تمام شب و روز، فکر من همین چیزهاست و از آینده زندگی‌ام می‌ترسم. اگر چه کارگر متخصص هستم، ولی یا کار گیر نمی‌آید و یا اگر هم کاری باشه (چون بیکار زیاد است) حقوق پایین است... هم که با هم سر بازی بودیم، در یک کارخانه خصوصی در جاده کرج جوشکاری می‌کرد. ماه پیش از ۶ هزار تومان مجموع حقوق و مزایای او، هزار تومان خودسرانه کم شد. وقتی علت را پرسیده بود، گفته بودند نداریم بدهیم، اگر می‌خواهی بمان و کمره خوش آمدی. حتی دایی‌ام که در وزارت کار است می‌گفت از مزایای آنها کم شده. حالا حسابش را بکن. من اگر به فرض محال کار هم بگیرم بی‌ارم، مگر چقدر حقوق به من می‌دهند؟ وقتی که تو روزنامه‌ها مثلاً آگهی استخدام دو نفر چاپ می‌شود، صد نفر مراجعه می‌کنند. مسلم است که استخدام کننده، دو نفر را که پایین ترین حقوق درخواستی را نوشته‌اند، می‌پذیرد. با این حقوقها چطور می‌شود که گوشت کیلویی ۱۷۰ تومان، برنج کیلویی ۵۰ تا ۹۰ تومان، پنیر کیلویی ۱۰۰ تومان، پودر لباسشویی متوسط (۴۸۰ گرمی) ۲۰ تومان، مایه ظرفشویی ۲۰ تومان و... خرید؟ شیشه شکش هفته پیش ۱۴ تومان بود، دو روز پیش شد ۱۶ تومان و امروز... آن را هیجده تومان و نیم خرید. شایع است که نان هم گران می‌شود. از همین حالا سهمیه نانوبایی‌ها کم شده. برای گرفتن نان بربری هر باریک ساعت و نیم و برای گرفتن نان لواش هر بار ۴ تا ۵ ساعت وقت باید معطل بشوی..."

شریک دزد و رفیق قافله

یکی از کارگران ملامین سازی مشهد که در پاسخ به مأمور بیمه برخلاف آموزشهای مدیریت کارخانه عمل کرده بود، از کار اخراج شد. کارگر اخراج شده برای احقاق حق خود به مراجع مختلف و متعدد و از جمله دفتر امام جمعه مشهد مراجعه کرد. امام جمعه در جواب وی گفت: فلانی (صاحب کارخانه) مرد بسیار محترمی است، بروید دستشان را بپوسید شاید که مورد عفو قرار بگیرد. بعد آکائف به عمل آمد که خوبی صاحب کارخانه از این لحاظ بوده که با همکاری امام جمعه و برخی دیگر از عوامل ذینفوذ رژیم، از جمله فرمانده سپاه در مشهد، فرآورده‌های کارخانه، ملامین سازی بجای آن که تحویل تعاونی‌های مصرف شود، با چند برابر قیمت در "بازار آزاد" به فروش می‌رفته و "سهم" مربوطه نیز برداشت می‌شده است.

مدیرعامل پرو

قریب ۷۰۰ نفر از کارگران "ایران تابر" با یک تصمیم جمعی به دفتر مدیر عامل شرکت هجوم بردند و پس از کتک مفصلی که به او زدند، از کارخانه پیرونش کردند. علت این اقدام جمعی افزایش فشار به کارگران و عملی نشدن خواسته‌های صنفی آنان بود. ارگانهای سرکوبگر از ترس اینکه

میاده مسئله به "شورش" کارگران بینجامد، دخالت نکردند. شکفت انگیز این که مدیر عامل این واحد پس از دو روز به محل کار خود بازگشت. این واکنش او از جانب کارگران "پیرونی و وفات" تلقی شد.

"گوشت کیلویی ۲۰۰ تومان، مهدی بیا"

گروهی از کارکنان کشتارگاه تهران در نزدیکی محل کار خود همراه با دسته ای از مردم شعار می‌دادند: "گوشت کیلو دوست تومان، مهدی بیا، مهدی بیا". تظاهرات آنها که حالت افشاگرانه داشت نزدیک به دو ساعت به طول انجامید و با هجوم مأموران کمیته پایان یافت.

اخراج کارگران کارخانه سازی مشهد

بخشی از کارگران کارخانه "خانه سازی مشهد" اخراج شدند. این کارخانه پیش از این در سه شیفت کار می‌کرد و حالا دو شیفته شده است.

اخراج کارگران مرد و استخدام زنان

مدیریت کارخانه "کبریت سازی فروزان مشهد" اکثریت کارگران مرد این واحد را از کار اخراج کرد و بجای آنها به استخدام زنان و دختران پرداخت. حتی در قسمت چاپ کردن قطعات چوب که احتیاج به نیروی بدنی بیشتری است، زنان به کار گرفته شده‌اند. علت این است که مدیریت می‌خواهد با این ترفند بهانه "اعزام کارگران به جبهه" را که موجب خوابیدن کار می‌شود از رژیم بگیرد. در عین حال مدیریت این واحد معتقد است که کنترل زنان از مردان راحت تر است.

تعطیل ایران کاوه

مدتی است که کارخانه "ایران کاوه" به حالت تعطیل در آمده و تنها پرسنل اداری و مدیریت آن در محل کار حاضر می‌شوند. سرنوشت شغلی کارگران هنوز معلوم نیست.

احزاب برادریه

سال جاری بزگاز شد، برنامه جدید و خطوط اصلی فعالیت آینده آن را تصویب کرد. این امر می‌بایستی به عنوان یک پیروزی بزرگ برای جنبش کارگری و کمونیستی ایران به شمار آید. جبهه "منحذ خلق" جبهه‌ای مرکب از کلیه نیروهای انقلابی و دمکراتیک می‌تواند نقش نیروی عمده را در مبارزه برای سرنگونی رژیم ارتجاعی ایفا کند.

حزب کارگری کمونیست شود میبستگی عمیق خود با مبارزه "حزب شما علیه اختناق را اعلام می‌کند. برای شادمان مبارزه" شرافتمندانه برای آزادی مردم ایران، برای دمکراسی و پیشرفت اجتماعی، پیروزی‌های هر چه بزرگتری آرزو می‌کنیم.

زنده باد حزب توده ایران!

زنده باد انترناسیونال همس پرنوری!

هیئت سیاسی

رونده پترسون

به مناسبت ۳۰ آبان روز همبستگی با جمهوری دموکراتیک افغانستان علاقت تشدید تبلیغات جنون آمیز علیه افغانستان، هراس از گسترش پلایه های اجتماعی انقلاب است

شهرتکار "نامه مردم" در فرانسه هنگام برگزاری جشن "اومانیته" گفتگویی با رفیق صدیق کارون، مدیر مسئول روزنامه "حقیقت انقلاب شور" و رئیس هیات نمایندگان حزب دمکراتیک خلق افغانستان در جشن "اومانیته" انجام داده است که از دل زوایاوندگان "نامه مردم" میگذرد:

"نامه مردم": جشن "اومانیته" و برخورد انکار عمومی فرانسه با کشور انقلابی تان را چگونه ارزیابی می کنید؟
رفیق کارون: با تشکر از شما رفیق عزیز به عرض برسانم که عبات ما با تعداد زیادی از مردم فرانسه چه در جایگاه روزنامه "حقیقت انقلاب شور" و چه در مناسبت جشن ملاقات کرد. ما در این گفتگوها دریافتیم که در فرانسه مانند کشورهای دیگر غربی علیه انقلاب افغانستان تبلیغ وسیعی صورت می گیرد و واقعیت های افغانستان به شکل نادرستی در وسائل ارتباط جمعی انعکاس داده می شود. مقلداً شرابه "لوموند" مطلب دروغی درباره "حمله پاندهای ضد انقلابی به شهر کابل نشر داده بود. وقتی این نشریه در کابل به دست ما رسید، تعجب کردیم که چرا روزنامه پرتیتر از یک کشور به چنین دروغ پراکنی های بزرگی می پردازد. اما یک مساله دیگر که ما با آن زیاد مواجه شدیم این است که مردم فرانسه با علاقمندی و همدردی و احساس دوستی نسبت به انقلاب افغانستان برخورد می کنند. ما با اکثر کسانی که ملاقات کردیم با صمیمیت بی پایان نسبت به انقلاب افغانستان صحبت می کردند و می دانستند که غرب تلاش می کند تا دستاوردهای انقلاب افغانستان را ناچیز چاره دهد. واقعیت این است که انقلاب افغانستان با گامهای استوار در جهت ساختن جامعه نوین، جامعه ای که در آن انسان غلام انسان دیگر نیست و به معنای وسیع کلمه آزاد است، به پیش می رود.

"نامه مردم": طی ماههای اخیر تبلیغات محافل امپریالیستی علیه افغانستان انقلابی بسیار افزایش یافته است. شما علت این امر را در چه می بینید؟

رفیق کارون: پله، در ماههای اخیر تبلیغ علیه افغانستان در وسایل ارتباط جمعی افزایش یافته است. البته از فردای انقلاب ملی و دمکراتیک "شور" نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی جهان به گردانندگی ایالات متحده آمریکا، جنگ وسیع اعلام نشده ای را علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان برآه انداختند. از طرفی به ضد انقلاب افغانی انواع سلاحهای ویرانگر می دهند تا با تخریب مدرسه ها، راهها و پلها، عبادتگاهها، بیمارستانها و سایر مؤسسات عام المنفعه به کشتار مردم افغانستان بپردازند، از جانب دیگر از طریق وسایل ارتباط جمعی تبلیغات وسیعی به راه انداختند و به دروغ پردازی علیه افغانستان پرداختند. طی این سالها تبلیغات زهرآگین علیه جمهوری

افغانستان، از رادیوهای پاکستان تا صدای آمریکا، "ارویای آزاد"، به اصطلاح افغانستان آزاد، رادیوهای ایران و چین ادامه داشته است. هر قدر که پایه های انقلاب وسعت پیدا می کند و مردم افغانستان بیشتر به دور حزب دمکراتیک خلق افغانستان حلقه می زنند و وحدت خود را استحکام می بخشند و با روحیه فداکاری و ایثار بیشتر به دفاع از دستاوردهای انقلاب برمی خیزند، به همان اندازه رسانه های گروهی امپریالیستی گستاخانه تر و به شکل جنون آمیزتری تبلیغات خود را افزایش می دهند. طی یک سال گذشته در رابطه با توسعه پایه های اجتماعی انقلاب گامهای عملی دیگری برداشته شد. از جمله تره های دهکانه شورای انقلابی جمهوری دمکراتیک افغانستان که در آن برخورد تروینی با طبقات و اقشار مختلف جامعه شده است، تدریس گردید. به همین ترتیب در پلنومهای ۱۶ و ۱۷ و ۱۹ کمیته مرکزی حزب ما در رابطه با توسعه پایه های اجتماعی حزب و جلب نیروهای جدید اجتماعی به انقلاب، تصمیم گیری شد. بدینسان اوضاع افغانستان با سرعت بیشتری عادی می شود و انقلاب استحکام می یابد. نیروهای مسلح ما هم بیش از پیش تقویت شده اند. مردم شجاعانه از انقلاب دفاع و نقشه های قتل و آدمکشی ضد انقلاب را خنثی می کنند. همه این عوامل باعث شده که امپریالیسم و ضد انقلاب نسبت به گذشته هارتر شوند و تبلیغات دیوانه وار خود علیه افغانستان را افزایش دهند. این واکنش طبیعی دشمنان در مقابل قدرتمندی نیروهای مسلح افغانستان، حزب دمکراتیک خلق افغانستان و مجموعاً قدرتمندی جمهوری ما است. بنظر ما این آخرین تلاشهای آنهاست. مردم جهان نیز برخلاف گذشته با دقت برخورد می کنند و حقایق را در می یابند.

"نامه مردم": اخیراً دور جدید کلتگوهای غیر مستقیم بین افغانستان و پاکستان از طریق سازمان ملل متحد به پایان رسید. آیا این گفتگوها به نتیجه ای رسید؟ و آیا پیشنهادهای جدید جمهوری دمکراتیک خلق افغانستان در چارچوب این گفتگوها بوده است؟

رفیق کارون: پله، چندی قبل دور هفتم مذاکرات بین کشور ما و پاکستان از طریق نماینده شخصی رئیس سازمان ملل متحد انجام گرفت. همانطور که اطلاع دارید جمهوری دمکراتیک خلق افغانستان همواره در رابطه با حل مسالمت آمیز مسائل و عادی شدن اوضاع داخل افغانستان موضع اصولی و انعطاف پذیر داشته، پیشنهادهایی که در ۱۴ مه ۱۹۸۴ از جانب جمهوری ما مطرح شد، بر همین پایه استوار بود. ما همیشه خواستار حل و فصل اختلافها از طریق مسالمت آمیز و گفتگوهای سیاسی بوده ایم. از جمله اگر حکومت های پاکستان و ایران با ما اختلاف دارند، ما خواهان مذاکره و در رو هستیم. تا مدتی پاکستان حاضر به مذاکره نبود. ما

در قبال پیشنهادهای اخیر منتظر جواب دقیق عملی و مثبت از طرف پاکستان هستیم. البته باید مجدداً یادآوری شود که نیروهای محدود اتحاد شوروی از طرف دولت جمهوری دمکراتیک خلق افغانستان برای دفع تجاوز خارجی دعوت شده اند. ما همیشه مطرح کرده ایم، زمانی که علت دعوت نیروهای محدود اتحاد شوروی از میان برداشته شود، این نیروها به کشور خود باز می گردند. قبل از آغاز این مذاکرات از سوی حکومت جمهوری دمکراتیک خلق افغانستان و اتحاد شوروی ابتکارهای جدید مطرح گردید. به این معنا که ما با حکومت اتحاد شوروی موافقت کردیم که تا آخر سال مسیخی ۶ هنگ از نیروهای اتحاد شوروی افغانستان را ترک کنند.

البته این گام مشترک حسن نیت ما را نشان می دهد و ما منتظر برخورد به مثل و ابتکارهای به مثل از طرف پاکستان بودیم و هستیم.

"نامه مردم": شاموضع جمهوری اسلامی را در مورد این گفتگوها چگونه ارزیابی می کنید؟

رفیق کارون: متأسفانه موضع جمهوری اسلامی نسبت به افغانستان موضع منفی است. موضع مداخلة و زور است. می دانید که ما بعد از انقلاب "شور" مخصوصاً بعد از مرحله نوین انقلاب، در رابطه با انقلاب ایران برخورد بسیار دقیق و اصولی داشته ایم. ما از انقلاب مردم ایران دفاع کردیم. مردم ایران بر برادران ما هستند و حاضر بوده ایم با ایران مناسبات دوستانه داشته باشیم. اکنون هم حاضریم. منتهای شرط ما این است که جمهوری اسلامی نسبت به افغانستان اصل حسن همجواری را رعایت کند. اما جمهوری اسلامی ایران، نه از موضع مردم، بلکه از موضع ارتجاعی قرون وسطایی عمل کرده و می کند و سلاح در اختیارشان می گذارد. در داخل ایران اردوگاههای مختلف برای آموزش نیروهای ضد انقلابی و قتل و غارت درست کرده اند. در مجموع، برخورد حکمیت جمهوری اسلامی نسبت به افغانستان خصمانه است.

"نامه مردم": اخیراً خبرهایی حاکی از بازگشت گروههایی از افغانیهای مقیم ایران به میهن خود منتشر شده است. سیاست دولت افغانستان در این مورد چگونه است و با این افراد به چه نحو برخورد می شود؟

رفیق کارون: پله، عده ای از هموطنان ما سالها قبل به خاطر دریافت کار به ایران مسافرت کردند، عده ای هم در نتیجه تبلیغات خصمانه علیه انقلاب بقیه در ص ۲

کمکهای مالی رسیده

رفقای عضو هرادار حزب در شهر کویفنگن آلمان، جهت کمک به چاپ یک شماره "نامه مردم" مبلغ ۱۰۰ مارک به حساب حزب واریز کردند.

دخیا ۱۰۰ مارک آلمان غربی

NAMEH P.B. 49034
MARDOM 10028 Stockholm 49
Sweden
No: 127

6 November 1986

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است